

عامل اصلی تعطیل مشروطیت شناخته شد

در زمان حکومت ظاهرری دکتر امینی که میخواست خود را نسبتاً متحداً و متحدی صاحب اختیار جلوه دهد و به پشتیبانی یکی از دولتهای غریب زیاد تظاهر میکرد. اینست برای جمع زیاد ی این اشتباه رخ داد بود که تعطیل مشروطیت و عدم تجلیم انتخابات تنها بعلل دکترا امینی و حامیلن خارجی او است و حتی غیر مستقیم برخلاف یاوه سرائینها یعنی معنی دکترا امینی که در بارها تعطیل مشروطیت و تاخیر انتخابات موافق نیست و احزاب و دستجات وابسته بآنها مانند عروسکهای خیمه شب بازی بشروع انتخابات و رفع تعطیل مشروطیت تظاهر میکردند و نزدیک بود مردم ساده و غیر واراد در امور سیاسی باور کنند که واقعا شاه مایل به تعطیل مشروطیت نبود و دکترا امینی است که برای رخم میل پادشاه قلم نسیج بر قانون اساسی و دموکراسی ایران کشیده است ولی از آنجا که حقیقت مکتوم و پوشیده نماند در مرحله اول صدور فرمان شش ماهه ای و تفویض حق قانونگزاری بدولت که بمنزله پشت بازدن صریح بقانون اساسی و اساس مشروطیت بود ثابت کرد که دکترا امینی هم مانند اقبال و دولتهای دست نشانده سابق آلت فعل و مجری اراده در بار بود با این تفاوت که دستورات خارجی را بر خلاف گذشته مستقیماً کسب میکرد و بکار می بست ولی سقوط دولت امینی و روی کار آمدن علم که سماخود را نخست وزیر جان نثار میخواند و نطق اعلیحضرت بمناسبت روز انقلاب مشروطیت مردم را بکللی از اشتباه بیرون آورد و استنباط میکنند که شخص پادشاه بیش از همه عوامل در تعطیل مشروطیت و تشکیک سلطنت در ایران پارلمان موثر بود و ستمد و بالاخره تصور میکنند که تظاهر بمبارزه با فساد و توقیف و تعقیب ساختگی متهمان بناد رستی و تظاهر با اصلاحات ارضی صرفاً برای آنستکه اعلیحضرت محملی برای ادامه حکومت فردی و استبداد ی گزینی داشته باشند و مردم را سرگرم و مشغول این بازیها و صحنه سازیها بکنند. اگر جز این است که شایسته است که بیدون قید و شرط و بی درنگ عمل انتخابات آزاد شروع شود. از بیانات اعلیحضرت مبنی بر اینکه دموکراسی باید از دهات و شهرها و استانها شروع شود و پس از انتخابات انجمنهای ده و شهر و استان (که قانون مصوبی ندارد) ممکن است انتخابات پارلمان شروع گردد آشکار است که عملاً هیچگونه تصمیمی راجع برفع تعطیل مشروطیت و شروع انتخابات نیست. روز چهارم مرداد جشن مشروطیت میگیرند و نظیر جشن پهلوسین مناسبت نطق میکنند و رئیس دولتی که خود را جان نثار شاه میخواند از روان شهید ای انقلاب مشروطیت برای خدمت بمردم بر طبق قانون اساسی و مصلحت ملی و میطلبند ولی عملاً مشروطیت را دفن میکنند و انجام انتخابات تعلیق بحال میشود و انتظار دارند مردم با وجود روشن شدن استبداد ی و محو کردن تمام آثار مشروطیت گفتار برخلاف واقع هیئت حاکمه را در برابر علاقه زبانی با اصول مشروطیت و دموکراسی باور کنند. کیست که باور کند با وجود سازسور شدن مطبوعات و سلب آزادیهای فردی و اجتماعی و تفتیش افکار و عقاید در مملکتها قانون اساسی اجرا میشود و اصول دموکراسی برقرار است؟ اگر نطقها و بیانات مقامات مسئول و غیر مسئول صرفاً تبلیغاتی نیست و قصد انشائی در ذکر بیانات وجود در اجرا با وجود نص صریح اصل ۴۸ مکرر قانون اساسی که میگوید (در هر مورد که مجلسین یا یکی از آنها بموجب فرمان اعلیحضرت همایونی منحل میگردد باید در همان فرمان انحلال علت انحلال ذکر شده و امر بتجدید انتخاب نیز شود) انتخابات جدید در ظرف یکماه از تاریخ صدور فرمان شروع شده و مجلس یا مجلسین در ظرف سه ماه بتاریخ مزبور باید منعقد گردد) پس از یکسال و نیم که از انحلال مجلسین میگذرد نه تنها اثری از شروع انتخابات دیده نمیشود بلکه روز بروز لایل و شواهدی بر ادامه یافتن بیشتر تعطیل مشروطیت بدست میآید. اگر هیئت حاکمه رژیم مشروطیت و قانون اساسی را قبول دارد چرا اصول آنرا بی پروا زیر پا میگذارد و حکومت فردی و خود سری را برقرار ساخته است؟ و اگر قانون اساسی را عملاً منسوخ کرده و با اصول آن بی اعتناست باید بمردم حق بدهد که چنین دولتی را متجاوز و ضد رژیم مشروطه بشناسند و در اینصورت تمام افراد و اجتماعات ایرانی بموجب قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر حق دارند بمعارضه موثر با چنین حکومتهای ضد قانون اساسی برخیزند.

نظریه مجله اکنونیست در باره تحولات اخیر ایران

مجله اکنونیست چاپ لندن در شماره مورخ ۲۸ ژوئیه خود تحت عنوان ((تمیز ولی غیر آزاد ؟)) مطالبی نگاشته است که از لحاظ اهمیت و اطلاع خوانندگان در اینجا مبادرت بترجمه قسمتهائی از آن مینمائیم. البته درج این مطالب دلیل موافقت این نشریه با کلیه نظرات ابراز شده در رگن نخواهد بود.

سیاستمداران ایرانی که در دوران صدرت دکترا امینی تقریباً بیکار ماندند بودند خود را در باره برای کارآمد مینمایند. نخست وزیر جدید اسد اللسه علم در اولین مصاحبه مطبوعاتی خود در روز ۲۲ ژوئیه اظهار داشت که انتخابات را " هر چه زود تر " شروع خواهد کرد. بجز مطلب فوق برنامه آقای علم همانند برنامه آقای امینی است. هر آنچه که انسان ممکن است آرزو نماید در آن گنجانده شده از قبیل اصلاحات ارضی - اصلاح امور ادارات - بهداشت - فرهنگ و برنامههای مربوط به رفاه اجتماعی همچنین طرحهایی برای کاستن از مرکزیت تهران در اداره امور کشور بوسیله تاسیس شوراهای ده و شهرستان از طریق انتخابات محلی و دادن اختیارات بیشتر بانان در امور محلی. آقای علم همچنین ادعا مینماید که بودجه را متعادل خواهد کرد و برای بیکاران کار خلق خواهد نمود و وضع اقتصاد را بهبود خواهد بخشید ولی این نخست وزیر اصلاحا اشاره ننموده است که چگونه خواهد تمام این برنامه یا حتی جزئی از آن را مرحله عمل برساند و نیز بهیچوجه توضیح نداد که چه چیزی وی را باین خیال انداخته است که در رجائی که دکترا امینی شدست خورد وی موفق خواهد شد. بدین طریق میتوان ایرانیانی را که دلیل کنار رفتن امینی را نمی فهمند بخشید. راست است که دکترا امینی با سرسختی زیر بار انجام انتخابات نرفت ولی عاقلانه بودن تصمیم فعلی برای انجام انتخابات قابل شک و تردید است. حقیقت قضیه آنست که دکترا امینی به..... موفق نشد که امریکائی ها را ارضی ببرد اخذ کمک مالی و وسایل مختلفی که شاه برای ارتش خود میخواست بنماید. آقای علم که از استقلال فکری دکترا امینی محروم است بعنوان یکی از ندیمان شاه البته گفت شنودهای لازم را برای سلطان خود انجام خواهد داد. کنار رفتن دکترا امینی ممکن است باعث تاسف باشد ولی مطلبی که در حال حاضر بیش از هر چیز جلب توجه مینماید طرحهای اقتصادی و انتخاباتی دولت جدید است. اصلاً بنظر نمیرسد که آقای علم در آرای

در انحطاطهای جدید و برجسته ای بمنظور تامین هفتاد ملیون دلار کسب بودجه ای که باعث سقوط دولت امینی شد باشد . و زحمت میتوان انتظار داشت که ایالات متحده که از کمک بمنظور حفظ مولود سوگلی خود امتناع ورزیده است حالا سیاست خود را تغییر داده و جاننشین او برای امور غیر عمرانی کمک مالی نماید . پس آقای علم باید مشکلات خود را با اقداماتی در داخل کشور حل نماید او از جمع آوری مالیات بنحویه بترو صرفه جوئی دم میزند ولی آقای علم معلوم نیست که در این مورد موفقیتی بیش از دکتر امینی کسب کند . میتواند دولت در نظر دارد درخواست تعویق برداخته های خارجی خود را بنماید . امسال هفتاد ملیون دلار باید از این بابت برداخت کرد یک مهلت دوازده ماهه اگر درخواست شود و قبول گردد موقتاً کسری بودجه را تا این خواهد نمود ولی این فقط مشکلات را برای سال آینده زیاد تر خواهد کرد و بحران و حل مسائل مشکل را بسال آینده موکول میکند آقای علم بهر حال ادعا میکند که انتخابات آزاد خواهد بود و کلیه احزاب حق شرکت دارند ولی معلوم نیست که دولت در باره جبهه ملی چه تصمیمی گرفته است . جبهه ملی اجازه شرکت در انتخاباتهای گذشته نداشته است و جبهه که از طرف دانشجویان دانشگاه تقویت میشود حتی اجازه منعکس کردن مطالب خود را در مطبوعات نداشته و نتیجه درگذشته است بتظاهرات خیابانی زده است . اگرچه این تظاهرات کاملاً منجر بسقوط دولتها نگردیده است ولی در روشن کردن اقتضای انتخاباتهای گذشته موثر بوده است . آقای علم نمیتواند در باره اقدامات انجام چنین انتخاباتی نماید و هنوز امیدوار باشد که زمامداری باشد . از طرف دیگر بعید بنظر میرسد که شهامت ازاد گذاردن جبهه ملی را داشته باشد . خصوصت بین شاه و جبهه ملی ناگوار است . شاه و دوستانش معتقدند که یک جناح قوی جبهه ملی در مجلس راه را برای کمونیست ها باز خواهد کرد ولی بانکارهای جبهه ملی (که بی اعلام میشود) در مورد رابطه با کمونیستها با هوادارای آنان توجهی نکرده اند . آقای علم ممکن است آرزو کند که جبهه با استدلال او گوش فراخواند و یک انتخاباتی ((تمیز و آبرومند)) بجای انتخابات آزاد قبول خواهد نمود ولی دکتر امینی هم سعی نمود که در این باره با جبهه ملی توافق بنماید و موفق نشد . معلوم نیست در صورت مبارزه علنی انتخاباتی جبهه ملی برنده چند کرسی مجلس خواهد شد . پیش بینی صحیحی در این مورد موجود نیست ولی البته محافظه کاران اساساً میل بکشف این حقیقت نیستند . شرکت کنندگان احتمالی در انتخابات احزاب ملیون مردم و چند گروه دست راستی دیگر خواهند بود هر دو این احزاب بسال ۱۹۵۲ بفرمان شاه تشکیل گردیدند . هیچیک دارای تشکیلاتی نیستند و هیچیک برای پیروزی در انتخابات پایگاهی در میان مردم ندارند . چندین گروه دست راستی نیز در دوران زمامداری دکتر امینی بمانند قان سر از زمین بیرون آوردند . لا اقل در حزب جدید بوجود آمدند یکی توسط آقای اسد الله رشیدیان که در میان اصناف دارای نفوذ است و دیگری توسط سر لشکر ضرعام که زمانی وزیر ارائی بود . هر دو این مردان را دکتر امینی بزندان افکند . سر لشکر با اتهام دزدی و سوءاستفاده و رشیدیان را بخاطر توطئه هائی که بعد از ۲۱ ژانویه علیه دولت نموده بود . آقای رشیدیان موجودیت حزب خود را از داخل زندان اعلام نمود برنامه این احزاب تقریباً همانند هم میباشند . همه از رفاه اجتماعی و آزادی و اقتصاد سالم و تقسیم عادلانه ثروت دم میزنند . اگر در کشور دیگری بود ممکن بود که این امر شاخص آن باشد که سیاستمداران متوجه خواسته های ملت شده اند .

صاحبان رانندگان تاکسی در معرض خطر

چند است که وابستگان هیئت حاکمه و چند تن از صاحبان قدرت و نفوذ با کمک خارجیان بتشکیل یک شرکت تاکسی رانی بزرگ پرداخته و بدون رعایت تشریفات و صرف هزینه های هنگفتی که گریبانگیر سایرین میشود اتومبیلهای خود را نمره نموده و در شهر کارگمارده اند . با همه امتیازاتی که این شرکت توانسته است بدست آورد معهد او رصدها برآمده اند که از تعداد سایر تاکسیها در شهر کم کنند بطوریکه اخیراً سختگیریهای بیموردی در باره سایر تاکسیها معمول گردیده و به کوچکترین بهانه ای صاحبان تاکسی ازادامه کار در تهران محروم میشوند . غالب تاکسی راناننده اتومبیل خود نیز میباشند و بدو تردد میتوان گفت که رانندگان تاکسی یکی از زحمتکشترین قشرهای اجتماع هستند . اکثر رانندگان بیش از شانزده ساعت (یعنی دو برابر آنچه قانون کار معین کرده است) در روز کار میکنند و بیشتر آنها پس از مدت کوتاهی بر اثر کار سنگین و خسته کننده و دچار ضعف اعصاب و زخم معده میشوند . تمام روز در آستانه خطرات ناشیه از تصادفات و حتی مرگ قرار دارند و با تمام تلاشمائیکه از جانب آنها میشود بر اثر رکود فعلی که نتیجه سیاستهای غلط و چپاولگریهای هیئت حاکمه است درآمد آنها تکافوی برداخت اصل و فرغ قسط اتومبیل و تامین حد اقل مخارج خانواده آنها را نمیکند . با در نظر گرفتن مراتب فوق جای منتهای بیشتری است که عناصر شناخته شده هیئت حاکمه در چنین موقع بحرانی که وضع رانندگان تاکسی بیست از هر موقع دیگر وخیم است با سوءاستفاده از قدرت خود بر قایت نامشروع بپردازند و در کمال ناجوانمردی عده ای زحمتکش را بقیمت فربه ساختن مشتی قلد روچپاولگریهاستی ساقط کنند . رانندگان و صاحبان تاکسی نیز باید متوجه باشند که حق گرفتنی است نه ادنی و اثر تا بد در برابر اینگونه عملیات نامشروع سکوت اختیار کنند وضع آنان روز بروز بدتر خواهد شد . باتشکیل اجتماعات اتحادیه های ملی میتوان نیروی لازم برای مقاومت در برابر این قلد ران بوجود آورد و تجربه گذشته رانندگان تاکسی نشان داده است که آنان دارای چنان احساس اتحاد و همبستگی لازم هستند که بتوانند حتی قویترین عناصر هیئت حاکمه را بزبان آوردند .

آیا از دستمزدهای کارگران زحمتکش کسب بودجه باید تامین شود ؟

هیئت حاکمه فاسد که از گرفتن انواع کمک مالی از خارج کشور مایوس شده است و نیز بهیچ عنوان حاضر نیست که از مخارج بیهوده و زاید دستگامهای عظیم بغیر ضروری کشوری و لشکری بکاهد در تلافی شهای مذبحخانه خود برای بهبود وضع مالی متعادل نمودن بودجه دست بیک سلسله اقداماتی زده است تا با در مضیقه گذاردن توده های زحمتکش مردم و تحمیل بار سنگین کسادبازیها و چپاولگریهای خود بدوش آنان شاید بتواند مدتی بیشتر حکومت خود کامگی و استبدادی را ادامه دهد اخیراً در خانیات بخاطر صرفه جوئی اعمال دولت ضد ملی علم از برداخت اضافه مزد سالیانه کارگران که طبق یک جدول معینی با در نظر گرفتن سابقه کار و مدت خدمت همه ساله بحد اقل مزد اضافه میشود خود را دری نموده اند و بدین ترتیب میخواهند ولخرجیها و دزدیهای خود را با شبیخون زدن به دسترنج قلیل کارگران جبران نمایند غافل از اینکه مزد ناچیز کارگران نخواهد توانست نوشد اروئی بسرای بیماری که مشرف بموت است باشد .



۲۵